

## انصاف در حل اختلافات سرمایه گذاری خارجی

ناصر علیدوستی شهرکی\*

استادیار گروه حقوق دانشکده الهیات و حقوق دانشگاه پیام نور

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۲/۱۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۴/۱۶)

### چکیده:

رعایت «انصاف» به عنوان عامل تضمین کننده اجرای عدالت در هر رسیدگی اعم از دادگاهی و برون دادگاهی بایسته است. با وجود این در حل اختلافات سرمایه گذاری خارجی که اجرای عدالت جنبه بین المللی می یابد، اهمیت آن دو چندان می گردد. از آنجا که انصاف به عنوان اصل بنیادین دادرسی در نظام های معتبر حقوقی پذیرفته شده است، شناسایی و اعمال آن در اختلاف سرمایه گذاری خارجی، نوید بخش، رسیدگی عادلانه و موجد امنیت حقوقی خواهد بود؛ امنیتی که جذب سرمایه گذاری خارجی را به دنبال دارد. انصاف با مفهوم برابری مترادف گرفته می شود که تفاوت های آنها در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفته، به خاستگاه و منبع آن در حقوق داخلی و بین المللی و جایگاهی که در حل اختلافات سرمایه گذاری خارجی دارد، اشاره می شود.

### واژگان کلیدی:

انصاف، رسیدگی، اختلافات سرمایه گذاری خارجی، امنیت حقوقی، داوری.

## مقدمه

در حل اختلافات سرمایه گذاری خارجی به دلیل دخالت عامل خارجی، طرف‌های اختلاف که معمولاً دولت میزبان و سرمایه گذار خارجی هستند<sup>۱</sup>، همواره نگران نتیجه رسیدگی هستند. سرمایه‌گذار خارجی به دلیل بیگانه بودن نسبت به نظام تقنینی و قضایی کشور میزبان، احساس نا آشنایی و عدم اعتماد دارد و دلیل نبود تمایل در مراجعه به مراجع قضایی کشور طرف مقابل یا حتی کشور ثالث همین ناآشنایی و بی‌اعتمادی نسبت به نظام حقوقی و قضایی آن کشور است (مجیبی، ۱۳۷۸، ص ۳۸). از سوی دیگر، دولت میزبان نیز تمایلی به تزییع اموال خود در نتیجه رسیدگی ندارند؛ به ویژه اگر این رسیدگی خارج از دادگاه و با روش‌های جایگزین<sup>۲</sup> (ADR) جریان یابد.

جلب اعتماد دو طرف نسبت به سلامت رسیدگی دادگاهی و برون دادگاهی، در گرو تضمین اعمال قواعد و اصول حقوقی معتبر، در جریان رسیدگی است که از مهم‌ترین این اصول و قواعد می‌توان به «انصاف» اشاره کرد.

انصاف، اصل یا قاعده‌ای است که هم در زمینه شکلی و هم در امور ماهوی رسیدگی به اختلاف، قابلیت اجرا دارد. با وجود این، جنبه ماهوی آن پر رنگ تر به نظر می‌رسد. پیش از ورود به بحث اصلی، اشاره به نکاتی ضروری است.

در علم لغت «انصاف» مصدر عربی و به معنای دادگری، عدل و داد کردن، راستی کردن، به نیمه رسیدن، نیمه چیز گرفتن و میانه روی است (عمید، ۱۳۳۰، ج ۱، ص ۲۴۹).

در اصطلاح علم حقوق و اصول فقه منظور از قاعده: «قضیه‌ای کلی است که حکم آن بر تمامی افراد جزئی منطبق باشد» (الشبلی مصطفی، ص ۲۱ به نقل از انصاری و طاهری، ۱۳۸۴ ج سوم، ص ۱۴۷۱). به تعبیر برخی محققان قاعده، «قانونی بسیار کلی است که منشاء استنباط قوانین محدودتر بوده یا مبنای قوانین متعدد دیگر باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ش ۴۰۶۳ ص ۵۱۳). با وجود این، قاعده به مفهوم قانون و اصل نیز آمده است (الشبلی مصطفی، ص ۲۱ به نقل از انصاری و طاهری، ۱۳۸۴ ج سوم، ص ۱۴۷۱). اما اصل، بنا و حکمی را گویند که شارع برای تعیین تکلیف مکلف در مقام شک و حیرت پیش بینی می‌نماید (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷، صص ۳۸۲ و ۳۸۳).

صرف‌نظر از اینکه انصاف به عنوان اصل اعمال شود یا قاعده، چنان ماهیتی دارد که هرطرف اختلاف سرمایه گذاری خارجی، اعم از دولت میزبان یا سرمایه گذار بیگانه به امید رعایت آن وارد مرجع حل اختلاف می‌شوند.

۱. اختلاف سرمایه گذار خارجی ممکن است با اتباع دولت میزبان باشد که در این فرض، بنا به تساوی نسبی دو طرف از حیث جایگاه حقوقی و سیاسی، ملاحظات ویژه وجود ندارد.

2- Alternative Dispute Resolution

نوشته حاضر بر آن است، ضمن شناسایی انصاف، خاستگاه داخلی و بین‌المللی آن و نقشی که در حل اختلافات سرمایه گذاری خارجی ایفا می‌کند را با لحاظ رویه مراجع بین‌المللی، مورد بررسی قرار دهد.

### ۱- ماهیت انصاف

انصاف در علم حقوق حداقل در دو معنی به کار می‌رود. گاهی انصاف نزدیک به مفهوم نیمه و میانه، دور محور برابری می‌گردد، خواه برابری در مقدار باشد<sup>۱</sup> یا نباشد<sup>۲</sup>. انصاف در این مفهوم در حقوق ماهوی و شکلی به کار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۶۸۸). مثلاً موقع شک در قدر سهم دو شرکت سرمایه گذار خارجی از منافع به دست آمده، اصل را بر تساوی حقوق قرار می‌دهند تا خلاف آن اثبات شود.

انصاف در مفهوم دوم، تصمیم‌گیری برابر وجدان و حق است؛ مانند انصاف در تعیین نرخ عادلانه و تعدیل اجاره بها<sup>۳</sup> و نیز انصاف در تعیین خسارت ناشی از سلب مالکیت از شرکت سرمایه گذار خارجی. انصاف در معنای اول «اصل» و در معنای دوم «قاعده» است.

در حقوق ایران برخی نویسندگان «انصاف» را زیر عنوان «قاعده عدل و انصاف» در شمار قواعد فقهی آورده‌اند (بازگیر، ۱۳۸۱، ص ۲۹). هرچند عدالت و انصاف قرابتی انکار ناپذیر دارند، اما به نظر می‌رسد عدالت نتیجه‌ای است که با رفتار منصفانه به دست می‌آید. بنابراین انصاف اصل و قاعده‌ای کلی است که رعایت آن توسط رسیدگی‌کنندگان به اختلاف اعم از مراجع قضایی و غیر قضایی مانند داوری بایسته است.

در بیان جایگاه انصاف باید گفت، زندگی حقوقی به ویژه بازرگانی بین‌المللی پیچیدگی‌هایی دارد و نیازها و مصالح نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کنند. حقوقدان نمی‌تواند تمام کوشش خود را در آراستن منطق و حفظ سنت‌ها محدود کند و به واقعیت‌های پیرامون و ضرورت‌های زندگی اجتماعی بی‌اعتنا بماند. او بایستی منطق را در خدمت نیازها قرار دهد و تا جایی که قوانین تاب تفسیر دارد گره‌گشایی کند، از حرمت قواعد نگاهداری آنها را به گونه‌ای انعطاف‌پذیر و در راستای عدالت بکار برد (کاتوزیان، ج ۲، ۱۳۸۲، ص ۲۰۹). گرایش به حل اختلاف بر مبنای انصاف امری نیست که نیازمند ارائه دلیل و برهان باشد. اما اجرای آن ساده نیست.

۱. ماده ۱۰۹ قانون مدنی

۲. ماده ۳۷۷ قانون مدنی

۳. ماده ۱۰۹ قانون مدنی

سرمایه گذار خارجی در جریان فعالیت خود با موجی از تغییرات سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی مواجه شده، از اموالش سلب مالکیت می‌شود. کدامین معیار و میزان می‌تواند آنچه از دست رفته و آنچه به دست نیامده و آنچه باید پرداخت شود را تعیین می‌نماید؟ چه تفاوتی میان سلب مالکیت قانون مند و سلب مالکیت غیرقانونی، از نقطه نظر جبران خسارت وجود دارد؟ آیا جبران خسارت منصفانه سلب مالکیت با پرداخت مبلغ اسمی مال از دست رفته محقق می‌شود یا جبران خسارت مناسب با پرداخت عدم‌النفع یا جریان نقدی تنزیل شده نقدی، انجام می‌گیرد؟ اگر قانونی روشن در بین باشد پاسخ نیز روشن خواهد بود، اما در فرض حل اختلاف سرمایه گذاری خارجی بوسیله مرجع غیرقضایی بین‌المللی این رعایت انصاف است که مرجع رسیدگی را به پاسخ عادلانه راهنمایی می‌کند.

## ۲- انصاف در حقوق داخلی

رعایت انصاف در نظام‌های مختلف به یک مفهوم نیست. در نظام حقوق کامن لای انگلیس (Common Law). تبعیت از انصاف به مفهوم حکومت یک نظام حقوقی متفاوت است.<sup>۱</sup> در موضوع حل اختلافات سرمایه گذاری خارجی اگر موافقتنامه داوری حاوی یک قید انصاف (Equity) باشد، آزادی داور در تفسیر مقررات حقوقی بیشتر است و تصمیم‌گیری با انعطاف خاصی انجام می‌گیرد. بنابراین به موجب قید مزبور در یک داوری انگلیسی، داور ملزم نیست که به مقررات محدود کننده انگلیسی درباره پرسش از شهود ملتزم باشد (اشمیتف، ۱۳۷۸، ج ۲،

۱. نگاهی به جایگاه انصاف در حقوق انگلیس:

انصاف، دومین منبع حقوق انگلیس است و سازمانی از قواعد حقوقی محسوب می‌شود. ایجاد قواعد حقوقی مزبور زابیده یک دلیل تاریخی است. برای اقامه دعوی بر طبق قواعد کامن لا، مدعی در انگلستان، باید قراری که منطبق با دعوی شناخته شده باشد، تحصیل می‌نمود (داوید، ۱۳۶۹، ص ۳۳۷).

برای مثال در صورت عدم ایفای تعهد، تنها ضمانت اجرایی که کامن لا می‌شناخت، محکومیت متعهد علیه به پرداخت خسارت بود، در حالی که، ضمانت اجرای مناسب تر اجبار متعهد به اجرای عین تعهد (Specific Performance) است. ضمانت اجرایی که کامن لا با آن آشنا نبوده است. (داوید، ۱۳۶۹، ص ۳۴۰) بدین سان، انصاف در کنار کامن لا به وجود آمد. از آنجا که کامن لا اقامه دعوی را در مواردی مجاز نمی‌دانست و یا امکان اجبار را در مواردی که کامن لا نمی‌توانست اجازه دهد، به موازات کامن لا، قواعد تازه‌ای به نام «قواعد انصاف» (Equitable Rules) به وجود آمد. در سال ۱۶۱۶ فرمانی صادر شد که در آن جک اول، اصلی را مقرر داشت که به موجب آن در موارد تعارض «انصاف» و «کامن لا» غلبه با «انصاف» بود. با اصلاحات سال‌های ۱۸۷۳-۱۸۷۵ دادگاهی واحد با اعمال کامن لا و انصاف- توأم- ملتزم به آراء قبلی می‌گردید، خواه قواعد مورد اعمال (یا مورد اجرا همان‌گونه که گفته شد) کامن لا و یا انصاف باشد. امروزه انصاف همراه کامن لا، حقوق آرائی را تشکیل می‌دهند. انصاف تنها مبین و معرف مرحله جدیدتری از باورهای اخلاقی در قضاوت موردی (Case Law) است (داوید، ۱۳۶۹، ص ۳۴۲).

ص ۱۰۰۰). با این حال رسیدگی منصفانه در دیگر نظام‌ها مفهومی متفاوت دارد. به تعبیری رسیدگی منصفانه، تساوی سلاح‌ها را ایجاب می‌نماید و هر یک از دو طرف دعوا و اختلاف باید امکان منطقی طرح موضوعات مورد نظر خود را در شرایطی که او را در وضعیت نامناسب تر نسبت به رقیب خود قرار ندهد، داشته باشند (Vincent - نقل از شمس، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰).

در حقوق داخلی ایران، قاضی در راستای اطاعت از قانون و رعایت انضباط شغلی حق ندارد به انصاف استناد کند، اما همین که دلش متوجه انصاف شد و به ستمی آشکار برخورد، نمی‌تواند از این حادثه بگریزد و انجام وظیفه را بر ندای وجدان ترجیح دهد (کاتوزیان، ج ۳، ۱۳۸۲، صص ۲۹-۳۰). این بیان، برای انصاف به مفهوم قاعده، صدق می‌کند؛ چرا که این قاعده مانند عدالت، قانون ساز است و نمی‌تواند در حد قانون تنزل یابد. از این رو داوری بر مبنای انصاف و ملاحظات غیرحقوقی در قانون آئین دادرسی مدنی پیش بینی نشده است. (جنیدی، ۱۳۷۸، ص ۹۲). البته اگر انصاف در معنای اصل باشد، قاضی در فرض نبود دلیل مخالف، ناگزیر از اعمال اصل انصاف و تصویف خواسته است.

شرایط برای داوری در امور تجاری بین‌المللی، متفاوت است؛ زیرا بند ۳ از ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی مقرر می‌دارد:

«داور در صورتی که طرفین صریحاً اجازه داده باشند، می‌تواند بر اساس «عدل و انصاف» یا به صورت کدخدا منشانه تصمیم بگیرد».

در اینجا، اعمال انصاف هم به معنی اصل و هم در مفهوم قاعده، تجویز شده است. بنا به مفهوم مخالف این مقرر که یکی از مهم‌ترین جایگاه‌های اجرایی آن حل اختلافات سرمایه گذاری خارجی است، در صورت عدم اجازه طرفین، داوران نمی‌توانند بر اساس انصاف داوری کنند. همچنانکه اصل در رسیدگی‌های بین‌المللی این است (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۴). اگر چنین مفهومی از مقرر بالا بر آید باز هم به معنای جلوگیری از رعایت انصاف در رسیدگی نیست، بلکه رعایت انصاف را در مفهوم قاعده (نه اصل) محدود به مواردی می‌کند که قانونی در آن موارد، نباشد ولی انصاف به معنی اصل، همچنان قابلیت اعمال خواهد داشت. گونه‌ای از داوری بر اساس انصاف و کدخدا منشی (Amiable Compensation) است. در این گونه داوری، داور مکلف به اجرای مقرر قانون نیست بلکه ممکن است در اعمال انصاف از آن عدول کند. داور می‌تواند قانونی را که خلاف انصاف می‌یابد نادیده گرفته، بر پایه انصاف رای دهد. بی تردید برای اعمال این روش در داوری، اذن طرفین ضروری است و حتی در این صورت داوران تنها می‌توانند قانون تخییری را به نفع انصاف کنار نهند نه قواعد آمره موجد حق را. همچنانکه ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «رای داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد: ۱- رای صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد...».

### ۳- انصاف در حقوق بین‌الملل

از منظر موازین بین‌المللی، در لزوم «منصفانه» بودن دادرسی و حل اختلافات نمی‌توان تردید کرد؛ تا جایی که به موجب ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱-۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، این وصف به عنوان یک حق اساسی با چهره حقوق بشری مورد تصریح قرار گرفته است (شمس، ۱۳۸۳، صص ۱۲۸ و ۱۲۹). رعایت انصاف در بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون اروپایی ۱۹۶۱ و بند ۳ ماده ۴۳ معاهده واشنگتن و بند ۲ ماده ۳۳ اصلی مقررات آنستیرال و بند ۴ ماده ۱۳ مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی تصریح شده است. اگر حل اختلاف بر اساس این مقررات انجام گیرد، حتی بنا به نظری که عدم توافق طرفها را مانع دخالت انصاف می‌داند، ضرورتی در تصریح به انصاف نبوده داوران می‌توانند با استناد به آن رای دهند (صفایی، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۴).

در بند ۲ از ماد ۷ کنوانسیون اروپایی ۱۹۶۱ و ماده ۳۹ از قواعد داوری کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آسیا و خاور دور، داوری مبتنی بر انصاف علاوه بر توافق طرفین، به مجاز بودن آن و وفق قانون قابل اعمال بر داوری، منوط شده است. (جنیدی، ۱۳۷۸ ص ۹۲). در مواردی مانند طرح قانون یکنواخت کمیته حقوقی کشورهای آمریکایی راجع به داوری، داوران مکلفند دعوا را بر اساس انصاف حل و فصل نمایند مگر اینکه طرفین مبنای دیگری تعیین کرده باشند (Chia j. c.1992. P. 735).

با این اوصاف، هرگاه شرایط جریان یک دادرسی منصفانه فراهم نبود این حق مسلم با چهره حقوق بشری برای طرف‌های اختلاف محفوظ است که از مرجع رسیدگی کننده رعایت «انصاف» را بخواهند.

در حل اختلافات سرمایه گذاری خارجی غالباً مرجع رسیدگی، داخلی نیست و قانون الزام آوری برای اعمال در موضوع مورد نظر فرا روی خود ندارد. برای مثال، داور بین‌المللی که قرار است اختلاف سرمایه گذاری میان دولت ایران و شرکت اروپایی را مطابق مقررات آنستیرال مورد رسیدگی قرار دهد، در بسیاری از موارد با فقد یا تعارض یا تراحم قوانین مواجه است که در این فروض توسل به «قاعدۀ انصاف» جایگاهی ویژه می‌یابد.

### ۳-۱- انصاف در معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری

در معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری خارجی میان ایران و دیگر دولت‌ها، «التزام به رفتار منصفانه و عادلانه» با سرمایه گذاران طرف مقابل توسط دولت‌های متعاقد، پیش بینی شده است. برای نمونه در ماده ۳ موافقتنامه فوق میان دولت‌های ایران و فرانسه آمده است:

«هر طرف متعهد رفتاری منصفانه و عادلانه با سرمایه گذاری‌های انجام شده توسط سرمایه گذاران طرف متعهد دیگر خواهد کرد و اطمینان خواهد داد که اعمال این رفتار نباید، توسط قانون یا در عمل متوقف شود...».

در دیگر معاهدات حمایت دو جانبه سرمایه گذاری، مانند بند ۲ ماده ۴ این موافقتنامه میان دولت‌های ایران و تونس نیز، عبارات بالا دیده می‌شود.

عباراتی مشابه مانند «تضمین رفتار عادلانه و منصفانه» نسبت به سرمایه گذاری‌های تبعه طرف متعهد دیگر در بند ۴ از ماده ۶ موافقتنامه موصوف میان دولت‌های ایران و ایتالیا دیده می‌شود بند ۱ از ماده ۴ قانون یاد شده میان دول ایران و قرقیزستان از این قبیل است. البته این چهره انصاف، نظر به رفتار دولت میزبان، پیش از بروز اختلاف دارد. اما در مواردی، اجرای انصاف پس از بروز اختلاف موضوع حکم قرار گرفته است.

ماده ۶ موافقتنامه تشویق متقابل سرمایه گذاری خارجی ایران و پاکستان نیز در مقوله پرداخت خسارت به عبارت «منصفانه» اشاره می‌کند. به موجب این ماده:

«...۱- سرمایه گذاری‌های سرمایه گذاران یک طرف متعهد، توسط طرف متعهد دیگر، مورد سلب مالکیت، ملی کردن یا مشمول تدابیری، مستقیم یا غیرمستقیم، با تأثیرات مشابه قرار نخواهد گرفت، مگر اینکه اقدامات مزبور به خاطر یک هدف عمومی، به روشی غیر تبعیض آمیز و در مقابل پرداخت سریع، موثر و منصفانه خسارت و برطبق موازین قانونی لازم باشد...».

عبارات این مواد، رسمیت راهبرد انصاف در جبران خسارت به موجب موافقتنامه‌های مورد اشاره و چه بسا در کل حقوق سرمایه گذاری خارجی، به اثبات می‌رساند.

اشاره به «اقدامات منصفانه» برای حمایت از حقوق طلبکاران در ماده ۳ الحاقی موافقتنامه دو جانبه ایران و تونس و بند ۱ ماده ۶ معاهده دو جانبه سرمایه گذاری ایران و قرقیزستان که اشاره به «پرداخت خسارت منصفانه» دارد، از این قبیل است.

برخی معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری، معیار «رفتار منصفانه» با سرمایه گذار خارجی را در «رفتاری که نامساعدتر از رفتار اعمال شده نسبت به سرمایه گذاران داخلی خود یا سرمایه گذاران هر کشور ثالث نباشد» عنوان می‌کنند.

اما در معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری برخی کشورها، رفتار منصفانه را به ویژه اگر مقررات مسکوت باشند، در اعمال حمایت برتر از حالت عادی و حتی برترین حمایت‌ها، برای سرمایه گذار خارجی می‌دانند<sup>۱</sup> (Bühler, Day and Evades, 2005. p.9).

۱. بند ۱ ماده ۳ قانون موافقتنامه دو جانبه دولت‌های ایران و ایتالیا

### ۳-۲- انصاف در معاهده واشنگتن

بر اساس قسمت اخیر ماده ۴۲ معاهده مرکز بین‌المللی حل اختلافات سرمایه گذاری خارجی (ایکسید)<sup>۲</sup>:

«... ۳) مقررات بندهای ۱ و ۲ در اعمال قدرت دیوان در تصمیم گیری راجع به اختلاف، نباید لطمه ای بر اساس عدالت و انصاف وارد کند.» در بند های ۱ و ۲ چنین می‌خوانیم:

«... ۱) دیوان، وفق قواعد حقوقی که توسط طرفین مورد توافق قرار گرفته اختلاف را مورد تصمیم گیری قرار می‌دهد. در صورت نبود چنین توافقی، دیوان، حقوق دولت متعاقد طرف اختلاف (از جمله قواعد حل تعارض آن) و نیز قواعد مناسب حقوق بین‌الملل را، اعمال می‌کند.

۲) دیوان، نمی‌تواند به دلیل سکوت یا ابهام قانون، از رسیدگی اظهار ناتوانی کند...».

چنانکه ملاحظه می‌شود، سکوت یا ابهام در مقررات و حتی قرارداد طرفین مجوز اتخاذ تصمیم غیرمنصفانه یا ناعادلانه و خروج از چارچوب آن، نخواهد بود. چه بسا که در روند رسیدگی به اختلافات سرمایه گذاری خارجی، بسته به موافقت و شرایط طرف‌های اختلاف، اتخاذ تصمیم بر اساس «انصاف»، برتر از تصمیم گیری مبتنی بر مقررات حقوقی، بتواند ادامه روابط طولانی طرفین را موجب شود (Kazutake, No.2-3,2002.P.88).

بنابراین، همانند قانون آئین دادرسی مدنی<sup>۳</sup>، معاهده واشنگتن در فرض سکوت یا ابهام مقررات، حل اختلاف را وفق قواعد حقوقی که توسط طرفین مورد توافق قرار گرفته است و در فرض نبود این توافق،... قواعد مناسب حقوق بین‌الملل را، قابل اعمال می‌داند که انصاف یکی از مصادیق «قواعد مناسب حقوق بین‌الملل» است.

1 - ... Protection may be higher than what might ordinarily be considered to be *fair and equitable*. However, if comparable national or third party investments have received poor treatment, *the highest standard of treaty protection available is likely to be fairness and equity*. Michael W Bühler and Jonathan Eades, Jones Day, Investment disputes: ten questions for in-house counsel, 2005. p.9.

<http://www.jonesday.com/files/Publication/CrossborderDisputeHandbook2005.pdf>.

2 -International Center for Settlement of investment Disputes ( ICSID)

۳. به موجب ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی «قضات دادگاهها موظفند موافق قوانین به دعوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند، یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.» انصاف از مصادیق اصول حقوقی مورد اشاره در این ماده است.



#### ۴- نسبت انصاف و برابری

در تعریف و تعیین حدود بسیاری از مفاهیم حقوقی اتفاق نظر وجود ندارد و بیان برخی تعاریف بر اساس اوصاف و شاخصه‌های آن مفهوم صورت می‌گیرد و به کمک همین اوصاف می‌توان مفاهیم مشابه را از یکدیگر باز شناخت.

در بیان وصف ممیزه انصاف از برابری، به نظر می‌رسد که انصاف، عبارت از حالت و ملکه‌ای است که شخص منصف را به رعایت برابری در رفتار خود با دیگران، هدایت می‌کند. بنابراین نمونه‌ای از رفتار منصفانه، در رعایت برابری متجلی می‌شود.

اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی، عرصه‌ای است که رعایت برابری در آن به دلیل تفاوت تابعیت حداقل یک طرف با تابعیت دادگاه یا اشخاص رسیدگی کننده، اهمیتی ویژه می‌یابد. رعایت برابری در موضوع سرمایه‌گذاری خارجی زمانی محقق می‌شود که برخی از حقوق سرمایه‌گذار خارجی، همانند حقوق یک تبعه دولت سرمایه‌پذیر مورد حمایت قرار گیرد.

نمونه‌ای از این رویه، در ماده ۸ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری<sup>۱</sup> مشاهده می‌شود. به موجب این ماده:

«سرمایه‌گذاری‌های خارجی مشمول این قانون از کلیه حقوق، حمایت‌ها و تسهیلاتی که برای سرمایه‌گذاری‌های داخلی موجود است به طور یکسان برخوردار می‌باشند».

اما به نظر برخی، رفتار منصفانه، لزوماً با رعایت رفتار برابر با تبعه دولت سرمایه‌پذیر محقق نمی‌شود بلکه با رعایت حداقل و استاندارد بین‌المللی رفتار بدون تبعیض، محقق می‌شود (Moore, 1996. vol.IV P.6).

در برخی معاهدات چندجانبه بین‌المللی مانند توافق تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)<sup>۲</sup> رعایت حداقلی از انصاف نسبت به سرمایه‌گذاران تبعه دولت متعاقد توسط دولت میزبان شرط است (Craford, Reisman & Bishop, 2005. P.140). در این شرط، رفتار منصفانه با معیار رفتار برابر یا رفتاری متناسب با آنچه بر تبعه اعمال می‌شود، عینیت می‌یابد.

رعایت برابری چهره‌ای دیگر هم دارد که در رفتار برابر با سرمایه‌گذاران خارجی کشورهای مختلف متجلی می‌شود. البته ممکن است دولتی به دلایل گوناگون رفتار نا برابری با سرمایه‌گذاران خارجی با تابعیت متفاوت اعمال نماید. با وجود این برخی موافقتنامه‌ها مانند توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)<sup>۳</sup> دولت‌های عضو را بر اساس یک اصل کلی به رفتار یکسان در زمینه مسائل تعرفه‌ای و تجاری وا می‌دارند (Long, 1985. P.30).

۱. قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹.

2 - North American Free Trade Agreement (NAFTA)

3 - The General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

هرچند، تبعیض نامشروع می‌تواند بر مبنای، نژاد، زبان، جنس، مذهب، گرایش‌های سیاسی، محل اقامت و تابعیت باشد، اما تبعیضاتی که به دلیل تفاوت تابعیت یا اقامتگاه شخص با دادگاه یا اشخاص رسیدگی کننده باشد غیر منصفانه تر است. از این رو یک بیگانه برای طرح دعوا علیه تبعه داخلی نباید مکلف به ایداع تامین یا پرداخت هزینه احتمالی گردد (غمامی، و محسنی، ۱۳۸۶، ص ۵۹). می‌توان توجیه کرد که در مواردی قانون‌گذار برای جلوگیری از اضرار بیگانه‌ای که هر آن ممکن است به کشور خود مراجعت کرده و هزینه دادرسی تحمیل شده به خواننده بلا جبران ماند، تدابیری اتخاذ کرده تا به شرط درخواست طرف مقابل، بیگانه ملزم به ایداع خسارت احتمالی شود. همچنانکه ماده ۱۴۴ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد:

«ماده ۱۴۴- اتباع دولت‌های خارج، چه خواهان اصلی باشند و یا به عنوان شخص ثالث وارد دعوا گردند. بنا به درخواست طرف دعوا، برای تادیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به آن محکوم گردند باید تامین مناسب بسپارند...». اما عبارت آخر ماده در مظان خروج از برابری است. آنجا که مقرر می‌دارد:

«...درخواست اخذ تامین فقط از خواننده تبعه ایران و تا پایان جلسه اول دادرسی پذیرفته می‌شود». زیرا حکمت مورد اشاره در بالا برای خواننده خواه ایرانی باشد یا بیگانه، بالسویه است.

با بررسی مقررات و معاهدات یاد شده در می‌یابیم که «انصاف» و «برابری» در مقوله سرمایه‌گذاری خارجی، دست کم با دو چهره ظاهر می‌شوند. یکی زمانی که دولت میزبان مکلف می‌شود رفتار «برابر» و «منصفانه» با سرمایه‌گذار خارجی داشته باشد و دیگر اینکه مرجع رسیدگی کننده به اختلاف، خواه دادگاهی باشد یا برون دادگاهی، در مقام حل و فصل اختلاف باید اصل برابری و انصاف را رعایت کند.

## ۵- انصاف و برابری در رویه

### ۵-۱- قاعده برابری طرفین در امضای بیانیه‌های الجزایر

اسناد اصلی بیانیه الجزایر مشتمل بر سه سند است که هر سه در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ برابر با ۲۹ دی ۱۳۵۹ امضاء و منتشر شد.

بیانیه‌های الجزایر از نظر حقوق بین‌الملل، یک معاهده بین‌المللی است و دارای آثار و احکام معاهدات و موافقتنامه‌های بین‌المللی و مشمول معاهده وین (۱۹۶۹) در مورد معاهدات است<sup>۱</sup> (<http://www.qudsdaily.com/archive/1384/html/9/1384-09-21/page28.html>).

با اینحال، هانس اسمیت (Hans Smite) استاد دانشگاه کلمبیای آمریکا معتقد بود این بیانیه فاقد اعتبار است زیرا ایالات متحده برای پایان دادن به گروگانگیری مجبور شد به معاهده تن در دهد. در مقابل اکثریت حقوقدانان، نظر به اعتبار این معاهده دارند، تا جائیکه میشل رایزمن (Michael Reisman) استاد دانشگاه یال آمریکا اظهار داشت:

«با توجه به اینکه قرارداد الجزایر به نفع آمریکا است نمی‌توان نظر به مجبور بودن آمریکا در امضای آن داشت» (اعتمادی، ۱۳۸۴، صص ۹۰-۸۹).

نگرانی از احتمال اقدام نظامی قریب الوقوع علیه ایران، حمله نظامی عراق به ایران، نبود افراد متخصص و مجرب در دعاوی بین‌المللی میان اعضاء هیات نمایندگی ایران و عدم دسترسی گروه ایرانی به اطلاعات لازم حتی در خصوص میزان دارایی‌های ایران در بانک‌های آمریکایی، از جمله این محدودیت‌ها بود (اعتمادی، ۱۳۸۴، صص ۸۰).

## ۵-۲- انصاف در رسیدگی

به نظر برخی صاحب‌نظران در داوری‌های بین‌المللی، این اصل پذیرفته شده است که داور فقط هنگامی می‌تواند بر اساس انصاف رای دهد که طرفین در این خصوص توافق کرده باشند (صفایی، ۱۳۷۵، صص ۱۲۴). همچنانکه در داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی مرجع داوری در صورتی می‌توان بدون ذکر دلایل رأی دهد که طرفین به او اجازه داده باشند به صورت داوری کدخدامنشی یا براساس عدالت و انصاف رسیدگی نمایند<sup>۲</sup> (مجبی محسن، ۱۳۷۸، زیر نویس شماره ۵۵). در پرونده امین اوایل<sup>۳</sup> (شرکت نفتی آمریکایی امرکن ایندیندینگ اوایل کمپانی) علیه کویت

۱. به موجب بند اول ماده ۲ معاهده وین: «معاهده تحت هر عنوان خاص که باشد عبارت از قرارداد بین المللی کتبی است که بین کشورهای منعقد شده و تابع حقوق بین الملل است، خواه در یک سند واحد ثبت شده باشد خواه در دو یا چند سند به هم پیوسته و متصل».

۲. ماده ۱۷ (۳) قواعد داوری اتاق بازرگانی بین المللی

۳. قضیه امین اوایل و کویت: شرکت نفتی امریکن ایندیندنت اوایل کمپانی (امین اوایل) قراردادی با حاکم کویت در سال ۱۹۴۸ به مدت ۶۰ سال امضا کرد، در سال ۶۱ قرارداد اصلاح شد (پس از استقلال کویت) و مالیات‌ها و حق امتیازهای آن افزایش یافت، در ماده ۹ قرارداد جدید اعلام شده بود که اگر اوضاع و احوال قراردادهای امتیاز خاورمیانه به نفع صادرکنندگان تغییر کند، طرفین باید با مذاکره شرایط قرارداد را بهبود بخشند به نحوی که برای دو طرف منصفانه باشد. در سال ۱۹۷۳ پیش نویس جدیدی ارائه شد که باید به تصویب پارلمان می‌رسید، پیش نویس هرگز تصویب نشد اما امین اوایل پذیرفت که پیش نویس را به عنوان یک قرارداد اجرا کند، در آن پیش نویس آمده بود که در مذاکرات آتی طرفین در مورد قرارداد ۱۹۴۸ نرخ بازگشت سرمایه امین اوایل ملحوظ و مورد توجه خواهد بود (نکته‌ای که بعدها در دعوی امین اوایل از حیث میزان غرامت موثر واقع شد). در سال ۷۴ کشورهای خلیج فارس فرمول جدیدی را که به فرمول ابوظبی معروف شد را پذیرفتند و دولت

(Aminoil. v. Koweit) موضوع ادعای این شرکت برای نرخ معقول برگشت سرمایه، دیوان داوری رسیدگی کننده به قیدی که در اصلاحیه قرارداد فیما بین طرف‌های اختلاف آمده توجه کرده است که می‌گوید: «طرفین در مذاکرات آتی در مورد قرارداد، نرخ معقول بازگشت سرمایه امین اوایل را ملحوظ خواهند نمود». هیات داوری، سپس درباره «نرخ معقول بازگشت سرمایه امین اوایل» به انصاف متوسل می‌شود و می‌گوید «صرف اینکه در موافقتنامه داوری مقرر شده؛ دیوان داوری باید «قانون حاکم» را معلوم کند، مانع از رجوع به «انصاف» برای تعیین مبلغ مزبور در جهت منصفانه کردن قرارداد طبق ماده ۹ اصلاحیه ۱۹۶۱ نیست، زیرا انصاف هم بخشی از قانون است».

به این ترتیب، دیوان داوری ماده ۹ اصلاحیه سال ۱۹۶۱ (مذاکره برای منصفانه کردن قرارداد) را به نفع دو طرف تفسیر کرد (محبی، ۱۳۸۵، ص ۴۱).

در پرونده لیامکو<sup>۱</sup> به جای «اعاده وضع»، «گرامت منصفانه» به عنوان الزام حاصل از قانون حاکم، مورد حکم قرار گرفت. آقای محمصانی داور منتخب رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری، گرامت منصفانه را از طریق تفسیر ماده ۲۸ قرارداد طرفین، محاسبه کرد.

در پرونده مزبور، رای داوری برای محاسبه مبلغ گرامت، نخست خسارت واقعی (Damnum emergens) و ارزش اموال لیامکو را محاسبه کرد و سپس در مورد خسارت عدم النفع (Lucrum cessans) مقرر داشت عدم النفع مورد ادعای لیامکو از موضوعاتی است که هنوز در حقوق بین‌الملل محل بحث و گفتگو است. مسلم اینکه در ملی‌کردن‌های مشروع، عدم النفع قابل پرداخت نیست. لکن، در این رای با مراجعه و استناد به اصل «انصاف»، به‌عنوان یکی از اصول کلی حقوقی (و نه حقوق بین‌الملل)، مبلغی به‌عنوان «گرامت منصفانه» به نفع لیامکو تعیین شده است (محبی، ۱۳۸۵، ص ۳۲).

در غیاب اصول مشترک بین قانون لیبی و حقوق بین‌الملل در مورد استاندارد گرامت (مرحله اول قانون حاکم طبق ماده (۷) ۲۸ قرارداد)، داور ناگزیر است به مرحله دوم تعیین قانون حاکم به شرح مزبور در آن ماده - یعنی اصول کلی حقوقی - مراجعه کند و مبنای قانونی

کویت اعلام کرد مایل به اجرای فرمول ابوظبی می‌باشد. کشمکش دو طرف در سال ۱۹۷۷ منجر به فسخ قرارداد امین اوایل از سوی کویت شد. - محبی محسن، ۱۳۸۵، ش. ۵۷ و ۵۹.

۱. سومین دعوایی که در دهه ۱۹۷۰ به دنبال ملی‌کردن نفت در لیبی (۱۹۷۳) علیه آن دولت اقامه شد، دعوایی بود که شرکت نفت لیبی - امریکا (لیامکو) مطرح کرد (Liamco V. Libya). شرکت «لیامکو» صاحب ۲۵٪ از سه قرارداد امتیاز نفتی بود که با دولت سابق لیبی منعقد شده بود. دولت جدید و انقلابی لیبی ابتدا ۵۱٪ از سهام شرکت لیامکو را ملی کرد، اما زمانی که این شرکت در داوری علیه لیبی طرح دعوا نمود، لیبی بقیه سهم او را نیز ملی اعلام نمود. دولت لیبی از شرکت در این داوری، مانند دو داوری دیگر، امتناع ورزید و لیامکو طبق قرارداد برای انتخاب داور به رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه کرد که او نیز آقای دکتر صبحی محمصانی از لبنان را به‌عنوان داور منفرد منصوب نمود.

لازم را برای تصمیم‌گیری درباره غرامت اتخاذ نماید. آقای محمصانی نیز چنین کرده و در همین مرحله است که به اصل «انصاف» به‌عنوان یک اصل کلی حقوقی مکمل که هم در حقوق لیبی وجود دارد و هم در حقوق بین‌الملل، استناد کرده و ابتدا استاندارد «غرامت مناسب» را به معنای «غرامت منصفانه» اتخاذ و سپس برای محاسبه غرامت و تعیین دو عنصر آن - خسارت مادی یا عینی و خسارت عدم‌النفع - به روش‌های ارزیابی رجوع کرده است (مجی، ۱۳۸۵، ص ۳۳).

آقای محمصانی اعلام می‌دارد که ملی کردن شرکت لیامکو طبق قطعنامه ۳۲۸۱ سال ۱۹۷۴ فی‌المنه تبعیض آمیز و غیر قانونی نبوده اما عدم پرداخت غرامت از جانب لیبی را غیر مشروع می‌داند زیرا برخلاف اصل جبران خسارت است، آقای محمصانی با استعانت از اصل انصاف رای به غرامت منصفانه در این پرونده می‌دهد (مجی، ۱۳۸۵، ش ۴۱ و ۴۲). با وجود این، در رای دآوری این پرونده، اولاً، اقدام دولت لیبی در ملی کردن، تبعیض آمیز و غیرمشروع شمرده شد؛ ثانیاً، از معدود رویه‌های دآوری است که رای به اعاده به وضع پیشین داد؛ متنها چون اجرای آن خلاف حاکمیت دولت تلقی شد، به غرامت معادل اعاده وضع رای داده و معیار غرامت کامل را اعمال کرد (مجی، ۱۳۸۶، ص ۸۴).

در پرونده امین اوایل دیوان دآوری ترجیح داد از فرمول «غرامت کامل» که مورد حمایت غربی هاست استفاده نکند و به جای آن از «غرامت مناسب» استفاده کرد. سعی می‌کند مبلغ غرامت واقع بینانه و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال باشد و برای تعیین غرامت از ملاک «انتظارات معقول» را تعیین می‌کند. دیوان مواردی از انتظارات معقول را چنین بیان کرده:

۱- اگر چه دولت کویت حق ملی کردن را دارد اما امین اوایل هم می‌تواند انتظار و دریافت غرامت را داشته باشد.

۲- از آنجا که مذاکرات با کویت، امین اوایل تصریح کرده که منظور از این قید برخورداری معقول بازگشت سرمایه بوده و نه یک نفع احتمالی، با عطف به این که این موضوع تبدیل به قرارداد نشده اما سابقه رفتار امین اوایل نشان می‌دهد که امین اوایل خود را محدود به همین بازگشت سرمایه کرده بود.

۳- فسخ و ختم قرارداد منجر شده که پرداخت‌های بابت ریسک‌ها و سرمایه‌گذاری مجدد منتفی شده است.

۴- برای برآورد نرخ بازگشت سرمایه باید در مورد اعمال «فرمول ابوظبی» نسبت به سود امین اوایل در سال ۱۹۷۴ و ۱۹۷۷ و نیز برای غرامت در ازای ملی کردن، جداگانه محاسبه و انجام شود (مجی، ۱۳۸۵، ش ۷۲).

دیوان دآوری با رویکردی واقع بینانه و منصفانه، ابتدا منظومه قراردادی طرفین را به عنوان ظرف «انتظارات معقول طرفین» تعیین و ترسیم کرده و آن را مرکب از مولفه‌های گوناگونی

مانند اصلاحیه ۱۹۶۱ و پیش نویس قرارداد اصلاحی سال ۱۹۷۳ دانسته که از عواملی دیگر مانند فرمول ابوظبی نیز متأثر شده است و سپس «نرخ معقول بازگشت سرمایه» شرکت امین ایل را به عنوان ملاک «انتظارات معقول» طرفین، پایه ارزیابی و تعیین غرامت گرفته است (مجی ۱۳۸۶، صص. ۱۰۸-۱۱۲).

همچنانکه در استدلال بالا اشاره شده، «انصاف» یک اصل کلی حقوقی جهانی و مورد پذیرش در همه نظام‌های حقوقی معتبر جهان است. از این رو برای حل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی، خواه به روش دادگاهی یا برون دادگاهی رعایت «انصاف» ولو بدون اشاره در قرارداد، یک باید نانوشته است.

آنچه بیان شد نمونه‌هایی از اعمال انصاف در حل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی است که با وجود شیوه‌های متفاوت، به دنبال یک هدف می‌گردند که عبارت از حل و فصل منصفانه اختلاف است.

## نتیجه

«انصاف یکی از قواعد و اصول کلی حقوقی در نظام‌های حقوقی معتبر جهان است. از این رو برای حل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی، خواه به روش دادگاهی یا برون دادگاهی رعایت آن ولو بدون اشاره در قرارداد یک «باید» نانوشته است. با بررسی مقررات و معاهدات در می‌یابیم که «انصاف» و «برابری» در مقوله سرمایه‌گذاری خارجی، دست کم با دو چهره ظاهر می‌شوند: یکی، زمانی که دولت میزبان مکلف می‌شود رفتار «برابر» و «منصفانه» با سرمایه‌گذار خارجی داشته باشد و دیگر اینکه مرجع رسیدگی‌کننده به اختلاف، خواه دادگاهی باشد یا برون دادگاهی، در مقام حل و فصل اختلاف باید برابری و «انصاف» را در جریان رسیدگی رعایت کند.

با وجود این، اعمال آن در دو مفهوم اصل یا قاعده، متفاوت است. اگر انصاف به مفهوم اصل گرفته شود، به مفهوم برابری، نزدیک می‌شود. مرجع حل اختلاف سرمایه‌گذاری ممکن است در اعمال این چهره از مفهوم انصاف، در فرضی که اشتراک در مالکیت یا اشتراک در مسولیت میان دولت میزبان و سرمایه‌گذار مسلم است و میزان آن به هیچ دلیلی قابل تعیین نیست، نظر به برابری و تنصیف مالکیت یا مسولیت دهد. اعمال این چهره انصاف ساده است. اما در اعمال قاعده انصاف برای تعیین خسارات قابل پرداخت در مقابل سلب مالکیت از سرمایه‌گذار خارجی، ضمن لحاظ مشروع یا نا مشروع بودن سلب مالکیت برای پرداخت غرامت، حتی در شرایط یکسان نیز تصمیماتی که به نام انصاف گرفته می‌شود، یکسان نیست.

در این که حاکمیت اراده طرف‌های اختلاف سرمایه گذاری خارجی، تا چه میزان در جواز و عدم جواز استناد به انصاف توسط مرجع رسیدگی، به ویژه داوران، موثر است، رویه‌ای واحد در منابع بین‌المللی وجود ندارد. گاهی استناد به انصاف منوط به تجویز آن توسط داوران است، گاهی حتی تجویز آن مشروط به عدم مخالفت با قانون قابل اعمال می‌شود و زمانی حتی عدم تصریح مانع از استناد به انصاف نیست.

استناد و توسل به انصاف در رویه رسیدگی‌های بین‌المللی و حل اختلافات سرمایه گذاری خارجی، به روشنی هر چه تمام تر مشهود است؛ این واقعیت حتی در مواردی که طرف‌های اختلاف، انصاف را به عنوان یکی از مبانی داوری داورها پیش بینی نکرده‌اند، نیز دیده می‌شود.

## منابع و مأخذ

### الف- فارسی

۱. اشمیتف، کلابو، ام. (۱۳۷۸)، حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه زیر نظر بهروز اخلاقی و دیگران ج ۲، چاپ اول، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
۲. اعتمادی، فرهاد، (۱۳۸۴)، دادگاه داوری دعاوی ایران و امریکا، چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
۳. بازگیر، یدالله، (۱۳۸۱)، قواعد فقهی و حقوقی در آراء دیوان عالی کشور، انتشارات دانش نگار.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱) مسوط در ترمینولوژی حقوق، ج اول، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش.
۵. جنیدی، لعیا، (۱۳۷۶)، قانون حاکم بر داوری های تجاری بین‌المللی، چاپ اول، نشر دادگستر.
۶. جنیدی، لعیا، (۱۳۷۸) «نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌الملل» انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۷. داوید، رنه، (۱۳۶۹)، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، چاپ دوم، ترجمه آشوری، محمد، صفایی، حسین، عراقی، عزت الله، مرکز نشر دانشگاهی تهران.
۸. زایدل هوهن فلدرن، آگناتس، (۱۳۸۳)، چاپ دوم تهران، حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه زمانی، قاسم، نشر دانش.
۹. شمس، عبدالله، (۱۳۸۳)، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، چاپ ششم، انتشارات دراک.
۱۰. صفایی، سید حسین، (۱۳۷۵)، حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی، چاپ اول، نشر میزان.
۱۱. عمید حسن، (۱۳۶۰)، فرهنگ عمید، ج ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۲. غمامی، مجید و محسنی، حسن، (۱۳۸۶)، اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، چاپ دوم، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ناشر شرکت سهامی انتشار و بهمن برنا.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، ناشر شرکت سهامی انتشار و بهمن برنا، چاپ دوم.
۱۵. محبی محسن، (۱۳۷۸)، «نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی»، مجله حقوقی دفتر خدمات بین‌الملل - جمهوری اسلامی ایران شماره بیست و چهارم.
۱۶. محبی محسن، (۱۳۸۵)، «رویه داوری بین‌المللی در باره غرامت (دعاوی نفتی)» مجله حقوقی دفتر خدمات بین‌الملل - جمهوری اسلامی ایران شماره سی و پنجم.
۱۷. محبی، محسن، (۱۳۸۶)، مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه داوری بین‌المللی، سلب مالکیت و غرامت در قراردادهای نفتی، چاپ اول، موسسه مطالعه و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

## ب- عربی

۱. مقدس اردبیلی، احمد (۱۴۱۷.ق.)، *مجم الفایده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، چاپ دوم، قم، موسسه نشر اسلامی.

## ج- خارجی

- 1- Cottam Richard w. 1988" **Iran and united stats ;a cold war case study** " Pittsburgh university of Pittsburgh press.
- 2- Chia ,Jui Cheng, **1992Basic Document on International Trade Law**, 2ed ,Klawer Law.
- 3- Long , O. 1985 “ **Law and its Limitations in the GATT multilateral Trade system**” Dordrecht, Martinus Nijhoff.
- 4- Doak Bishop R. & Michael Reisman W. .Crawford, James ,2005 ,**Foreign investment disputes**, published by Klawer Law International , Hague.
- 5-Moore, J.B. 1996.**A Dijest of Intrenational Law**, Washington, Government Printing Office.
- 6-Okuma, Kazutake, 2002, **Investment disputes settlement by focusing on ICSID Arbitration, The Seinan Law Review** , Vol.34, No.2-3.

## د- سایتها

- 1-<http://www.jonesday.com/files/Publication/CrossborderDisputeHandbook2005.pdf>.
- 2- [www.uncitral.org/pdf/english/texts/arbitration/arb-rules/arb.rules](http://www.uncitral.org/pdf/english/texts/arbitration/arb-rules/arb.rules).
- 3- <http://www.qudsdaily.com/archive/1384/html/9/1384-09-21/page28.html>.

Archive of SID